

<http://doi.org/10.22133/mtlj.2023.412299.1240>

## Ontology of Philosophy of Law of New Technologies (An analytical and normative study with the criterion of philosophy of method)

Sayed Mohammad Ali Hashemi

Assistant Prof., Faculty of Law and Political Science of Shiraz University, Shiraz, Iran.

### Article Info

### Abstract

#### Original Article

**Received:**  
19-08-2023  
**Accepted:**  
12-10-2023

#### Keywords:

Ontology of the  
Philosophy  
Legal Philosophy of New  
Technologies  
Legal Philosophy of New  
Analytical Technologies

Philosophy of law is a science that examines "law knowledge" and "legal research" with an analytical and rational method. This method of parascientific study is the basis for understanding and explaining the dimensions of that phenomenon. The philosophy of the law of modern technologies is a field of philosophy of law that has made the law of modern technologies the subject and focus of study with an analytical and rational approach. The philosophy of the law of modern technologies is a suitable background for the formation of the geometry of the knowledge of the law of modern technologies and research policy in the fields of legal investigations related to law and technology. Therefore, "Ontology of the Philosophy of Modern Technologies Laws" is the title of research whose main issue is to explain the nature and core of the philosophy of modern technologies laws and to lay the groundwork for the systematic formation of the knowledge of modern technologies laws. The present research, using the criteria and literature of the philosophy of method, has studied conceptually the phenomena created by the philosophy of the law of new analytical technologies and the philosophy of the law of new normative technologies. As in completing the course of the research, from the idea of philosophy as a method to the methodology of the philosophy of the laws of modern technologies and the geography of the problems and the structure of the philosophy of the laws of modern technologies have been investigated. Providing a different understanding of the concept of the word philosophy in parascientific philosophies and the formulation of this knowledge with the initial discourse of Muslim philosophers is one of the outputs of this research. The method of this research is evaluation and analytical judgment.

#### \*Corresponding author

**e-mail:** [mohammadalhashemi@shirazu.ac.ir](mailto:mohammadalhashemi@shirazu.ac.ir)

#### How to Cite:

Hashemi, S.M.A. (2024). Ontology of Philosophy of Law of New Technologies (An analytical and normative study with the criterion of philosophy of method). *Modern Technologies Law*, 5(9), 41-54.

Published by University of Science and Culture <https://www.usc.ac.ir>  
Online ISSN: 2783-3836



<http://doi.org/10.22133/mtlj.2023.412299.1240>

## هستی‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین (مطالعه‌ای تحلیلی و هنجاری با ادبیات فلسفه روش)

سید محمدعلی هاشمی

استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<b>مقاله پژوهشی</b>	
<b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۲/۰۵/۲۵	
<b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۲/۰۷/۲۰	
<b>واژگان کلیدی:</b> هستی‌شناسی فلسفه حقوق فلسفه حقوق فناوری‌های نوین فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی	<p>فلسفه حقوق دانشی است که «دانش حقوق» و «حقوق پژوهی» را با روش تحلیلی و تعقلی بررسی می‌کند. این شیوه مطالعه پیرا علمی به نسبت هر پدیده و پدیداری زمینه‌ساز شناخت و تبیین ابعاد آن پدیده و پدیدار است. فلسفه حقوق فناوری‌های نوین ساحتی از فلسفه حقوق است که حقوق فناوری‌های نوین را با رویکرد تحلیلی و تعقلی موضوع و محور مطالعه قرار داده است. فلسفه حقوق فناوری‌های نوین زمینه‌ساز مناسبی برای شکل‌گیری هندسه دانش حقوق فناوری‌های نوین و سیاست‌گذاری پژوهشی در ساحت بررسی‌های حقوقی مرتبط با حقوق و فناوری است. بر این اساس، «هستی‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین» عنوان پژوهشی است که مسئله اصلی آن تبیین ماهیت و هست‌های فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری نظام‌مند دانش حقوق فناوری‌های نوین است. پژوهش حاضر با بهره‌وری از سنج‌ها و ادبیات فلسفه روش به مطالعه مفهوم‌شناسانه پدیدارهای برساخته فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری پرداخته است. چنان‌که در تکمیل سیر پژوهش، از انگاره فلسفه به مثابه روش تا روش‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و جغرافیای مسائل و ساختار فلسفه حقوق فناوری‌های نوین بررسی شده‌اند. ارائه فهمی متفاوت از مفهوم واژه فلسفه در فلسفه‌های پیرادانشی و صورت‌بندی این دانش‌ها با گفتمان اولیه فیلسوفان مسلمان، از جمله برون‌دادهای این پژوهش است. روش این پژوهش ارزیابی و داوری تحلیلی است.</p>
<b>*نویسنده مسئول</b> رایانامه: <a href="mailto:mohammadalihazemi@shirazu.ac.ir">mohammadalihazemi@shirazu.ac.ir</a>	
<b>نحوه استناددهی:</b> هاشمی، سید محمدعلی (۱۴۰۳). هستی‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین (مطالعه‌ای تحلیلی و هنجاری با ادبیات فلسفه روش). حقوق فناوری‌های نوین، ۹(۵)، ۴۱-۵۴.	
<b>ناشر:</b> دانشگاه علم و فرهنگ <a href="https://www.usc.ac.ir">https://www.usc.ac.ir</a> شاپای الکترونیکی: ۳۸۳۶-۲۷۸۳	

ترکیب «فلسفه...» (Philosophy of...) در زبان انگلیسی برای شماری از مطالعات و پژوهش‌ها به‌کار می‌رود. معادل متداول این ترکیب در زبان فارسی فلسفه مضاف است. تعبیر فلسفه مضاف تعبیری عاریتی و متداول در برخی از مجامع علمی ایران است. برخی به استفاده از این اصطلاح انتقاد داشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۲) برخی نیز پیشنهاد داده‌اند که از تعبیر فلسفه خاص در این زمینه استفاده شود (مصلح، ۱۳۸۶، ص ۱۵). به نظر می‌رسد این دغدغه‌ها، گذشته از شیوه بیان و اغراض گویندگان، بی‌راه نیست. توضیح آن‌که فلسفه از دیرباز تاکنون نوعی شیوه تفکر و به‌مثابه روش برخورد و فهم حقایق، پدیده‌ها و علوم است. براین اساس، در دوران تحولات کلان فکر و اندیشه معاصر، برخی فلسفه‌های دیگر به‌جز فلسفه هستی نیز به وجود آمده‌اند. فلسفی‌اندیشی در زمینه دانش‌ها و پدیدارهایی مانند حقوق، اقتصاد، جامعه‌شناسی، ریاضیات، زیست‌شناسی و فناوری از این قسم فلسفه‌های نوپدید است. این فلسفه‌ها تفاوتی با فلسفه هستی از منظر فلسفه‌بودن یا همان بهره‌وری از روش عقلی و تأملات انتقادی ندارند. براین اساس، اگر تعبیر فلسفه مضاف درصدد القای این مفهوم باشد که این فلسفه‌ها با فلسفه هستی تنافی، تقابل یا حتی تفاوت کلان روشی دارند، تعبیر نامربوطی است. برای مثال اگر در مقابل فلسفه مضاف فلسفه مطلق طرح شود و با ایجاد دوگانگی موانعی بر سر توسعه آن قرار داده شود، اشکالات پیش‌گفته وارد است. فلسفه‌های مضاف، که شیوه‌ای از مطالعه و پژوهش پیراعلمی است، علمی خاص را موضوع قرار داده و به مطالعه و بررسی جوانب و ساحات گوناگون آن علم با نگرش فراعلمی و پیراعلمی می‌پردازند. براین اساس اگر موضوع پزشکی بدن انسان از جنبه صحت و بیماری باشد، موضوع دانش فلسفه پزشکی، خود پزشکی به‌منزله یک علم است. در همین راستا، حتی دانش فلسفه نیز فلسفه داشته و فلسفه فلسفه دانش و روشی از مطالعه و تحقیق است که موضوعش دانش فلسفه است. چنان‌که فلسفه حقوق یا فلسفه دانش حقوق دانشی است که موضوعش دانش حقوق و کلیت حقوق است و در راستای همین موضوع، به بررسی و مطالعات پیرافقهی می‌پردازد.

این رویکرد مطالعاتی درباره یک دانش، زمینه‌ساز شناخت وضعیت موجود آن دانش، آسیب‌شناسی، توسعه و تکمیل دانش مدنظر است. بهره‌وری از این رویکرد مطالعاتی در زمینه حقوق فناوری‌های نوین به شناخت جوانب این دانش و سیاست‌گذاری‌های متناسب در ساحت تولید ادبیات مرتبط با حقوق و فناوری منتهی می‌شود. فلسفه حقوق فناوری‌های نوین حوزه‌ای دانشی و با کارویژه این شناخت در حوزه حقوق فناوری‌های نوین است. با این توضیح «هستی‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین» عنوان پژوهشی است که مسئله اصلی آن تبیین ماهیت و هسته‌های فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و زمینه‌سازی برای شکل‌گیری نظام‌مند دانش «حقوق فناوری‌های نوین» است.<sup>۱</sup>

با این توضیح سیر پژوهش در پنج مبحث به سامان می‌رسد که عبارت‌اند از: ۱. مفهوم‌شناسی حقوق فناوری‌های نوین؛ ۲. فلسفه حقوق و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین؛ ۳. از انگاره فلسفه به‌مثابه روش تا روش‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین؛ ۴. فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری؛ ۵. جغرافیای مسائل و ساختار فلسفه حقوق فناوری‌های نوین.

## ۱. حقوق فناوری‌های نوین

بررسی مفهوم‌شناسانه ترکیب اضافی در گزاره مفهومی حقوق فناوری‌های نوین<sup>۲</sup> به بررسی و ارائه فهمی مشترک از مفهوم واژگان حقوق، فناوری و نوین بستگی دارد. در نگاهی با سنج‌های تحلیل زبانی مفهوم واژه حقوق، هسته مفهومی این ترکیب اضافی است؛ چنان‌که ترکیب حقوق

۱. در همین راستا با هدف ساحتی‌شدن دانش حقوق فناوری‌های نوین در بستر پارادایمیک نظام حقوقی ایران، بحث از «جغرافیای ماهوی حقوق فناوری و گستره موضوعی آن»، «جغرافیای ماهوی فلسفه حقوق فناوری و گستره موضوعی آن»، «مسائل و موضوعات محور بحث و بررسی در فلسفه حقوق فناوری»، «ماهیت مسائل و موضوعات مطرح در فلسفه حقوق فناوری‌های نوین»، «ارتباط فلسفه حقوق فناوری‌های نوین با حقوق فناوری»، «بایسته‌های مبنایی و روشی حاکم بر حقوق فناوری» و «الزامات موضوع‌شناسی حقوقی مرتبط با نظام موضوعات حقوق و فناوری»، از جمله مسائل فرعی و جانبی قابل بررسی در حوزه این پژوهش است.

فناوری اضافی است. در این میان، در ترکیب فناوری‌های نوین به‌نظر واژه نوین مضاف‌الیه و این ترکیب نیز اضافی است. به بیانی دیگر، فناوری‌های نوین مدنظر بوده است، نه هر فناوری‌ای و این دانش در بررسی مسائل فناوری‌های غیرنوین و سنتی رسالتی ندارد.<sup>۱</sup> حقوق در این ترکیب، به معنای دانش یا علم حقوق است.<sup>۲</sup> این دانش مشتمل بر قواعد و هنجارهای الزام‌کننده فعل و ترک فعل است که به تنظیمگری روابط اجتماعی اشخاص یا نهادهای حقیقی و حقوقی می‌پردازد. براین اساس، حقوق عهده‌دار تبیین هنجارهای عملی و بایدها و نبایدهای مرتبط با شهروندان یا نهادهای مکلف<sup>۳</sup> در حوزه اجتماعی است. بهتر بودن تعبیر به نهاد مکلف به دلیل صراحت و ظهور این تعبیر در هر آنچه که الزام حقوقی متوجه اوست است. شمول این تعبیر نسبت به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی از جمله پتانسیل‌های دلالتی نهفته در این گزاره است که مبین گستره موضوعی حقوق و مطالعات حقوقی است.

فناوری به مهارت و راهکارهای به‌کارگیری و کاربردی‌سازی دانش‌های پایه در قالب ابزار<sup>۴</sup> گفته می‌شود. توضیح آن‌که در دانش، سؤال از فهم و چیستی پدیده و پدیدارهاست، اما فناوری در پی تبیین چگونگی کارایی آن است (Skolimowski, 1966, p. 373-375) البته به‌نظر می‌رسد انحصار فناوری به نگاه کاربردی‌سازی علوم پایه و جزءانگاری ابزار با خاستگاه فیزیکی در ماهیت مفهومی آن - اگرچه متناسب با واقعیت غالب است - ناقص باشد؛ چراکه فناوری در حقیقت در پی کنترل و تغییر شکل دادن واقعیت است. حال این واقعیت ممکن است واقعیت اجتماعی باشد یا طبیعی. براین اساس، با توسعه مفهومی فناوری می‌توان به فناوری اجتماعی نیز اشاره کرد. چنان‌که روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، و اقتصاد رفتاری نیز نوعی فناوری به‌شمار می‌رود (Bunge, 2003, p. 173)

نوین به معنای نو و نوپدید است. در ترکیب اضافی فناوری‌های نوین، برخی مضاف‌الیه یعنی مفهوم واژه نوین را در مقابل سنتی فهم می‌کنند و دو نوع فناوری، یعنی فناوری نوین و فناوری سنتی، را با مشخصه‌های متفاوت تبیین می‌کنند (Jonas, 2003, pp. 191-194). با این همه، در این پژوهش معنایی منعطف و طیف‌وار<sup>۵</sup> از واژه «نوین» مدنظر است. توضیح آن‌که نوین مفهومی فازی و طیفی دارد و با توجه به مصادیقی که متصف به این صفت مفهومی می‌شوند، دارای طیف مفهومی، قابل صدق است. به بیانی دیگر، ما با نوین و غیرنوین با منطق صوری، مبتنی بر تفکر صفر و یک در بازه‌های مفهومی مواجه نیستیم، بلکه با توجه به تئوری‌های تبیین مفهومی و عضویت در مجموعه‌های فازی<sup>۶</sup>، اتصاف مفهوم نوین بر موضوعات، فازی و تشکیکی است (هاشمی، ۱۳۹۷، ۵۲-۵۶). با این توضیح، در این پژوهش، نوین در مقابل سنتی مفهومی پیدا نمی‌کند؛ بلکه نوین مفهومی فازی و مشکک است که ممکن است بسته به جوامع و کشورهای گوناگون در حوزه‌های مختلف فناوری مطرح شود. چنانکه ممکن است سطحی از فناوری در کشوری نوین باشد، اما در کشور و محیط دیگری این ویژگی را نداشته باشد. به بیانی دیگر، با توجه میزان، زمانه و زمینه مواجهه جامعه‌ای با فناوری نوین بودن آن فناوری مفهوم می‌یابد. فناوری‌ای که در یک جامعه فناوری مدرن به‌شمار می‌رود، ممکن است در جوامع دیگری مدرن نباشد.

با این سیر از پژوهش، حقوق فناوری‌های نوین ساحتی از حقوق است که بنا به اقتضای موضوع خود، در راستای تبیین هنجارهای حقوقی مرتبط با فناوری‌های نوین شکل می‌گیرد. به بیانی دیگر، فرایند به‌انجام رسیدن فناوری‌های نوین و بهره‌وری از آن در قالب ابزار و محصولات، مسائلی را ایجاد می‌کنند که حقوق فناوری‌های نوین، متصدی تنظیمگری در زمینه آن مسائل است. این تنظیمگری حقوقی سازوکار و سنجه‌های

۱. البته با توجه به توضیحاتی که در ذیل واژه نوین داده می‌شود، شاید بشود به نوعی ترکیب فناوری‌های نوین را وصفی و صفت و موصوف نیز در نظر گرفت.

۲. تردید در تعبیر دانش یا علم حقوق به اختلافی فلسفی در علم‌سنجی پسانسانسی برمی‌گردد. در فهمی علم (science) فقط برای علوم تجربی کاربرد داشته و دانش‌های غیرتجربی، دانش (knowledge) هستند نه علم.

۳. این تعبیر از ادبیات دانشیان فقه در بازسازی تعریف حقوق به عاریت گرفته شده است. در اندیشه فقیهان انگاره غالب بر این است که موضوع علم فقه و به بیانی محور فقه‌پژوهی عالمان فقه، «افعال مکلفین» است (کجوری شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۵۷؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۲۱؛ عراقی نجفی، بی‌تا، ص ۴).

۴. به‌نظر می‌رسد تعریف ابزارگرایی از فناوری، تلاش مناسبی برای تبیین فناوری و کاربرد آن باشد؛ چنان‌که این رویکرد ابزارگراییانه در مفهوم واژه تکنی (techné) در اندیشه‌های فلسفی کلاسیک نیز اشراق شده است (هایدگر، ۱۹۵۴، ص ۲).

۵. طیف معنایی.

۶. در مجموعه‌های فازی بحث از عضویت X یا عدم عضویت آن مطرح نیست، بلکه عضویت امری مشکک و بی‌شمار در دامنه فاصله بین صفر و یک است.

ویژه‌های را نیز می‌طلبید. در راستای این تنظیم‌گیری حقوق فناوری‌های نوین، بیشتر اندامواره‌ای از پروتکل‌های<sup>۱</sup> حقوقی است تا مجمع‌الجزایر مقرردها. البته با توجه به آنچه در ذیل مفهوم نوین گفته شد، این مسائل در جوامع مختلف بسته به میزان درگیری با این فناوری‌ها و پتانسیل‌های حقوقی و فرهنگی متفاوت است. چنان‌که هستی‌شناسی<sup>۲</sup>، روش‌شناسی<sup>۳</sup> و معرفت‌شناسی حقوقی<sup>۴</sup> گوناگون نیز باعث شکل‌گیری پارادایم‌های حقوقی متفاوتی در مواجهه با این مسائل می‌شود.

## ۲. فلسفه حقوق و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین

اگرچه امروزه و در دوران معاصر، فلسفه علم و فلسفه‌های مضامین به علم به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های عالمان معاصر جهان تبدیل شده است، اما فلسفه‌های مضامین به علم در کشور ما حتی با وجود سرعت پرشتابی که دانش و فناوری در دهه‌های اخیر داشته، هنوز دانشی نوپاست. فقر ادبیات و منابع علمی بومی در علوم انسانی و اسلامی در زمینه معرفت‌های ثانویه و فلسفه‌های مضامین بیشتر است. البته با موضوع فلسفه حقوق چند تألیف و نوشته در بازار نشر موجود است (در این زمینه نک: (کاتوزیان، ۱۴۰۱؛ شهابی، ۱۴۰۱؛ ساکت، ۱۳۷۰؛ دانش‌پژوه و خسروشاهی، ۱۳۹۰؛ پترسن، ۱۳۹۵؛ دل و کیو، ۱۳۸۰؛ موراوتز، ۱۳۸۷؛ چینهنکو، ۱۳۹۴؛ تبت، ۱۳۸۴) اما به دلیل نوپا بودن، حتی در همین زمینه نیز آثار قابل‌اعتنایی وجود ندارد.

فلسفه حقوق با گزاره‌های مختلف و متفاوتی تعریف شده است (کاتوزیان، ۱۴۰۱، ص ۱۹؛ ساکت، ۱۳۷۰، ص ۱۸). این تعاریف به نوعی یادآور سرود مولوی در مورد گروهی است که در تاریکی فیلی را لمس می‌کردند (مولوی، ۱۳۷۹، ص ۳۸۴)؛ چراکه هرکسی از نگاه، منظر و درک خویش به فلسفه حقوق پرداخته است. چنان‌که این تعاریف توجهی به مفهوم فلسفه و ماهیت فلسفه‌ورزی نداشته‌اند. به نظر می‌رسد که در ترکیب واژه فلسفه حقوق، فلسفه به مثابه روش تحلیلی و انتقادی یا فلسفی‌اندیشی و فلسفه‌ورزی در باب «حقوق به ما هو حقوق» است. برخی از آشنایان به مباحث فلسفه علم بر این باورند که فلسفه یک دانش با خود دانش رابطه طولی دارد؛ برای مثال فلسفه علم فیزیک و علم فیزیک در طول هم‌اند نه در عرض هم؛ چراکه فلسفه علم فیزیک خود علمی است که در آن علم فیزیک موضوع تحقیق و بررسی است، اما علم فیزیک علمی است که در آن، طبیعت خارجی مطالعه می‌شود. وی ضمن این‌که فلسفه را در یک مفهوم، به معنای آگاهی و در مفهوم دیگر، مابعدالطبیعه دانسته تأکید می‌کند معرفت‌هایی مانند فلسفه تاریخ، فلسفه علم، فلسفه اخلاق و فلسفه هنر ترکیبی از منطق و روش است و به هیچ روی با مفاهیم دوگانه فلسفه یعنی آگاهی و مابعدالطبیعه ترادفی ندارند (سروش، ۱۳۸۲، صص ۳۴-۳۳). برخلاف این فهم، به نظر می‌رسد که محدودکردن معنای فلسفه در آگاهی یا مابعدالطبیعه منطقی نیست؛ چراکه فلسفه در همه این استعمالات مشترک معنوی و به معنی راه و روشی برای اندیشیدن و بهره‌وری از استدلال منطقی است (واربرتون، ۱۳۸۳، صص ۲۵-۳۰؛ پاپکین و آروم استرول، ۱۳۷۵، صص ۱-۳). چنان‌که گفته شده: «یکی از معانی فلسفه اطلاق آن به استعدادهای عقلی و فکری است که انسان را قادر می‌سازد تا اشیاء را از دیدگاهی بالا و گسترده مورد مطالعه قرار دهد» (صلیبا، ۱۳۹۳، ص ۵۰۳). این رویکرد اطلاق فلسفه در مفهوم واژگان فلسفه علوم، فلسفه اخلاق، فلسفه تاریخ و فلسفه حقوق را همان تفسیر عقلی معرفت می‌داند (صلیبا، ۱۳۹۳، ص ۵۰۳). برخی نیز تصریح می‌کنند که «فلسفه چیزی نیست جز کار فلسفی و روش بررسی مسائل». وی تبیین می‌کند که فیلسوف در پی تعلیم فلسفه‌ورزی و زیستن در پرتو فلسفه به دیگران است (دیل، ۱۳۶۴، صص ۹-۱۰). وی کاربست اندیشه‌ها و روش‌های فلسفی را در سایر رشته‌ها و پژوهش‌ها، فلسفه کاربردی دانسته و به‌طور گذرا و غیرمنسجم از مسائلی صحبت می‌کند که امروزه آن را فلسفه دین، فلسفه تاریخ، فلسفه حقوق و فلسفه سیاست می‌نامند (دیل، ۱۳۶۴، صص ۶۵-۶۶). در این میان، یعقوب‌بن اسحاق کندی، اولین فیلسوف مسلمان، ضمن گزارش معانی متعدد فلسفه، به معنای دانش دانش‌ها و حکمت حکم اشاره می‌کند؛ (و

۱. پروتکل (Protocol) مجموعه‌ای به هم‌پیوسته و اندامواره‌ای از هنجارهاست که با هدف تنظیم‌گری، شماری از هنجارهای متعاضد و متکامل را ساحتی می‌کند. موضوعات حقوق فناوری‌های نوین به دلیل چندساحتی بودن به مجموعه‌ای نظام‌مند از هنجارهای حقوقی نیاز دارد. به همین منظور، پروتکل‌های حقوقی کارایی ویژه‌ای در بسامان و ساحتی شدن این ساحت از حقوق دارد.

2. Ontology.

3. Methodology.

4. Epistemology.

حدوها أيضا من جهة العلة. فقالوا، صناعة الصنات و حكمة الحكم» (کندی، ۱۹۵۰، ص ۱۲۲). وی فلسفه را دانشی انسانی دانسته و آن را به دانش فهم حقیقت اشیا در حد توان انسان تعریف می‌کند. هرچند وی فلسفه اولی را بهترین سطح از فلسفه‌ورزی معرفی می‌کند، ولی تصریح می‌کند که فلسفه‌های دیگری نیز وجود دارند: «إن أعلى الصناعات الإنسانية منزلة و أشرفها مرتبة صناعة الفلسفة التي حدتها: علم الأشياء بحقائقها بقدر طاقة الإنسان؛ لأن غرض الفيلسوف في علمه إصابة الحق، وفي عمله العمل بالحق...» (کندی، ۱۹۵۰، صص ۲۵-۳۲). فلسفه کندی فلسفه تعقلی برای نیل به حق و حقیقت است. وی بر این باور است که فراگیری حق و حقیقت از دیگران، حتی غیرمسلمانان، عار نیست. به باور کندی، حق و حقیقت و حقایق وطن ندارد، بلکه پذیرش آن در هر حال بایسته است (کندی، ۱۹۵۰، ص ۳۳). وی حتی مخالفان فلسفه را ناچار به فلسفه‌ورزی می‌داند؛ چراکه ایشان را ملزم به مبرهن کردن اندیشه خود در برابر رقیبان و مخالفان می‌داند و اقامه برهان از جانب ایشان را همان فلسفه‌ورزی می‌پندارد (کندی، ۱۹۵۰، ص ۳۶). پرواضح است که کندی فلسفه را به معنای فلسفه‌ورزی و اقامه برهان می‌پندارد.

شیخ الرئيس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا نیز رهیافت کندی را در زمینه شمول فلسفه داشته است. وی غرض فلسفه را نیل به آگاهی از حقایق همه چیز دانسته است؛ چه اموری که به اختیار و کنش ما ایجاد می‌شوند و چه اموری که ما در ایجاد آن دخالت نداشته‌ایم: «إن الغرض في الفلسفة أن يوقف على حقائق الأشياء كلها على قدر ما يمكن الإنسان أن يقف عليه» (ابن سینا، ۱۴۰۴، ص ۱۲). به نظر می‌رسد که رویکرد صدرای شیرازی نیز آنجا که تأکید می‌کند فلسفه معرفت و شناخت حقایق موجودات با برهان است یا همان فهم و معرفت نظم عقلی عالم به قدر توان فلسفه‌ورزی یا تعقل و فهم بشر است و همچنین با رهیافت کندی و شیخ الرئيس هم‌راستا است. وی در تعریف فلسفه معتقد است که: «اعلم أن الفلسفة استكمال النفس الإنسانية بمعرفة حقائق الموجودات على ما هي عليها و الحكم بوجودها تحقيقاً بالبراهين لا أخذاً بالظن و التقليد بقدر الوسع الإنساني و إن شئت قلت نظم العالم نظماً عقلياً على حسب الطاقة البشرية»: «بدان که فلسفه همان شناخت برهانی حقایق واقعی موجودات و حکم برهانی به وجود آن‌ها است که برآیند چنین شناختی استكمال نفس آدمی است. چنانکه امکان دارد فلسفه را همان فهم نظم عقلی عالم به قدر توان فلسفه‌ورزی یا تعقل و فهم بشر است» (صدرای، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۲۰). پس از صدرای نیز دوران تقلید فلسفی است و اندیشه و انگاره جدی در زمینه تعریف، گستره و موضوع فلسفه بروز نکرده است. برآیند پژوهش پیش نقل تأکید بر این مهم است که ما دلیلی برای انحصار مفهوم فلسفه در تحلیلات انتزاعی درباره هستی‌شناسی نداریم. فلسفه هستی یا همان هستی‌شناسی فلسفی تنها یک ساحت از فلسفه و فلسفه‌ورزی است؛ چنان‌که فلسفه‌ورزی و تأملات تعقلی و انتقادی و به تعبیر کندی حقیقت‌طلبی برهانی به مثابه روش در دیگر ساحات شناخت نیز مطرح است.

با توجه به فهم ما از دو مفهوم واژه «فلسفه» و «حقوق» در ترکیب اضافی «فلسفه حقوق»، به نظر می‌رسد که «فلسفه حقوق» ساحتی از دانش «فلسفه علم» است که «حقوق» را به منزله موضوعی خاص مطالعه قرار می‌کند. توضیح آن‌که امروزه فلسفه‌های مضاف، که شیوه‌ای از مطالعه و پژوهش پیرا علمی هستند، علم خاصی را موضوع قرار می‌دهند و به مطالعه و بررسی جوانب و ساحات مختلف آن علم، با نگرش فرا علمی و پیرا علمی، می‌پردازند. گفتنی است فلسفه فقه، حقوق، تاریخ، ریاضی، اقتصاد که در آن‌ها مفهوم واژه فلسفه به علم اضافه می‌شود و ترکیب فلسفه هنر، فلسفه توسعه و فلسفه فرهنگ که در آن‌ها مفهوم واژه فلسفه به برخی امور اضافه می‌شود، همان فلسفه‌ورزی درباره امور مضاف‌الیه یعنی حقوق، تاریخ، ریاضی، اقتصاد، هنر، توسعه و فرهنگ است. چنان‌که فلسفه متداول سنتی فلسفه هستی است و به بیانی هستی‌شناسی فلسفی یا فلسفه‌ورزی در باب هستی - همان مضاف‌الیه فلسفه در گزاره «فلسفه هستی» - است، فلسفه حقوق، فلسفه فقه، فلسفه تاریخ، فلسفه و فرهنگ نیز دقیقاً همین فلسفه‌ورزی در باب مضاف‌الیه‌هاست. در این گزاره‌ها، فلسفه به مثابه روش مطالعه که همان تأملات عقلی-انتقادی است، می‌باشد. بر این اساس، اگر موضوع پزشکی بدن انسان از منظر صحت و بیماری باشد، موضوع دانش فلسفه پزشکی، خود پزشکی به منزله علم است. در همین راستا است که حتی دانش فلسفه نیز فلسفه داشته و «فلسفه فلسفه» دانش و روشی از مطالعه و تحقیق است که موضوعش دانش فلسفه است. بر این اساس، «فلسفه حقوق» به بررسی حقوق به منزله موضوع خاص می‌پردازد و با نگاه و دغدغه‌ای متفاوت، زمینه‌ساز مناسبی برای شکل‌گیری هندسه حقوق و سیاست‌گذاری در ساحات حقوق پژوهی است. چنان‌که در سایه همین رصد کل‌گرایانه،

دستیابی به نظام موضوعات حقوق و حتی کلیدواژگان بایسته در پژوهش‌های حقوقی، تسهیل می‌شود. براین اساس، «فلسفه حقوق فناوری‌های نوین» دانشی است که به مطالعه توصیفی و تحلیلی حقوق فناوری‌های نوین با روشی انتقادی و تحلیلی می‌پردازد.

### ۳. از انگاره فلسفه به مثابه روش تا روش‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین

فلسفه‌های مضاف به علوم دانش‌هایی درجه دوم و پسینی‌اند که روش تحقیقشان در مقام پردازش تعقلی - انتقادی است. براین اساس، در این علم که مبتنی بر روش کل‌گرایانه و تعقلی است، از جزءنگری پرهیز شده و با تکیه بر تحلیل عقلی به واری‌های پیرا علمی برای تبیین ساحات یک دانش به‌طور کلی اقدام می‌شود. چنان‌که گفته شده، در پژوهش‌های پیرادانشی و فلسفه دانش‌ها، مفهوم واژه فلسفه به روش پژوهش در این دانش‌ها اشاره دارد. براین اساس، روش پژوهش در این دانش‌ها تعقلی - تحلیلی است.

البته روش گردآوری در این دانش‌ها ترکیبی است. به بیانی دیگر، بسته به تفاوت علوم، روش فلسفه‌های پیرا علمی نیز در مقام گردآوری متفاوت است. در ساحتی تجربی، خردگرایانه و تحلیلی یا تاریخی و اعتباری است. توضیح آن‌که در فلسفه‌های پیرا علمی، روش پژوهش در دو ساحت جمع‌آوری و تحلیل متفاوت است. به این مهم تمایز مقام گردآوری<sup>۱</sup> و مقام داوری<sup>۲</sup> گویند. توضیح آن‌که مقام گردآوری، مقام به‌دست‌آوردن مواد خام و شکار و مقام داوری مقام داوری کردن درباره مواد خام است. در مقام گردآوری، مواد خام جمع‌آوری یا کشف می‌شوند. مراد از کشف در اینجا کشف امری صحیح نیست، بلکه ممکن است چیزهای صحیح و غلط کشف و جمع‌آوری شوند؛ بدون این‌که بدانیم این موادی که جمع می‌کنیم شایستگی دارند یا ندارند؛ زیرا گردآوری اعم از گردآوری داده‌های فاسد و سالم است. مقام داوری یا پردازش مقام سنجش و جداسازی فاسد از صحیح و روا از نارواست (سروش، ۱۳۸۲، ص ۹۴؛ سروش، ۱۳۸۰، ص ۴۹-۵۰). برخی توضیح می‌دهند که: «روش فلسفه‌های مضاف به علوم و امور عقلی - حدسی است؛ گرچه همچون گونه‌های دیگر فلسفه، در فلسفه‌های مضاف نیز در مقام گردآوری، گاه از شیوه تجربی سود برده می‌شود. رویکرد فلسفه‌های مضاف نیز تحلیلی و تنقیدی است. هرچند محقق فلسفه مضاف برای بهینه‌سازی علم متعلق در حاله و حاشیه نه در حاق و هسته مباحث به توصیف و توصیه نیز می‌پردازد» (رشاد، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۱۲-۱۱۳). ایشان نیز به‌نوعی به تمایز دو مقام در روش‌شناسی بررسی‌های با رویکرد فلسفه‌های پیرا علمی اشاره می‌کند.

با این توضیح، روش فلسفه‌های پیرا علمی در مقام گردآوری ترکیبی است. به بیانی دیگر، بسته به تفاوت علوم، روش فلسفه‌های پیرا علمی نیز در مقام گردآوری متفاوت است. در ساحتی تجربی، خردگرایانه و تحلیلی یا تاریخی و اعتباری است، چنان‌که در مقام پردازش عقلی و انتقادی است. عقلی و انتقادی بودن روش دانش‌های پیرا علمی به‌منظور لزوم اتخاذ روشی فراعلمی است که قابلیت تفهیم و تفاهم عام‌تری داشته باشد. توضیح آن‌که مطالعات فلسفه‌های پیرا علمی، که با هدف علم‌شناسی کل‌گرایانه صورت می‌گیرد، در صورتی مفید است که نگاهی بیرونی و فرادانشی به آن دانش داشته باشد. این نگاه فرادانشی مستلزم کاربرد روشی است که از جهت معرفتی قابلیت دفاع در سطح عام را داشته باشد؛ روش عقلی و انتقادی این ویژگی را دارد.

با این توضیح در دانش حقوق فناوری‌های نوین، گستره گسترده‌ای از مسائل و هنجارهای حقوقی مرتبط با فناوری‌ها از جمله علوم و فناوری‌های نوین ICT، فناوری انرژی‌های نوین، فناوری‌های زیست‌محیطی، فناوری‌های پزشکی، فناوری‌های صنعتی، فناوری‌های رباتیک و هوش مصنوعی، فناوری‌های حوزه سایبر، فناوری‌های شناختی و فناوری‌های امنیتی و نظامی تحلیل و بررسی می‌شوند. این فناوری‌ها روش‌های مختص به خود را داشته و دارند. با این‌همه، در فلسفه حقوق فناوری‌های نوین که به مطالعات پیرا علمی در زمینه حقوق فناوری‌های نوین پرداخته می‌شود، مطالعات حقوقی در زمینه این دانش‌ها با رویکردی کل‌گرایانه مطالعه می‌شوند. روش این مطالعات تحلیلی - انتقادی است؛ البته با توجه با ماهیت حوزه‌های متعدد فناوری در مقام گردآوری داده‌ها، بایسته‌های روشی آن فناوری مدنظر است. روش تحلیلی - انتقادی همان فلسفه‌ورزی و فلسفیدن در باب حقوق فناوری‌های نوین است. این روش، فراعلمی و فرای از تشخیص‌های روشی درباره روش است. بر همین

1. Context of discovery  
2. Context of justification

اساس، قابلیت تفهیم و تفهم فراگیرتری را ایجاد می‌کند؛ چنان‌که امکان گفت‌وگو در میان دانشیان این حوزه‌ها با روشی مفروض و عام فراهم می‌شود.

#### ۴. فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی یا فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری

اگرچه فهم غالب این است که فلسفه‌های پیراعلمی دانشی پسینی و ثانویه است، اما به‌نظر می‌رسد بایسته است رویکرد پژوهشی و مطالعاتی در زمینه فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، پسینی - پیشینی باشد. به بیانی دیگر، داد و ستدی از توصیف و توصیه در این ساحت بایسته است. توضیح آن‌که رسالت اصلی فلسفه‌های پیراعلمی یا به‌بیانی فلسفه‌های پیرامونی مطالعه علم یا همان هست‌های علم است، اما پرداختن به بایسته‌های علم و دانش نیز ضروری است؛ چراکه به‌نوعی تأمین‌کننده هدف نهایی شکل‌گیری فلسفه‌های پیرامونی است. توضیح آن‌که مطالعات پیراعلمی کل‌گرایانه تعقلی یا به تعبیر بهتر فلسفه‌ورزی‌های پیرامونی با بررسی یک علم یا پدیده و با فراهم‌آوری شرایطی برای شناخت بهتر آن دانش یا پدیده با نگاهی کارکردگرایانه، دغدغه تکامل و ارتقای دانش بررسی‌شده را دارند. با عزمیت از این دغدغه، فلسفه‌های پیراعلمی به‌طور کلی و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین به‌طور خاص نه‌فقط توصیف‌گرانه<sup>۱</sup> هستند، بلکه توصیه‌گرانه<sup>۲</sup> به انجام می‌رسند. براین اساس، بایسته است که در پژوهش «فلسفه حقوق فناوری‌های نوین» هر دو ساحت توصیف و توصیه مورد توجه قرار گیرد و هم از «هست‌ها» صحبت شود و هم به «بایسته‌ها»، پرداخته شود. مرحله تبیین «هست‌ها» رسالت توصیفی دارد؛ چنان‌که بحث از «بایسته‌ها» ماهیتی توصیه‌گرانه دارد.

توصیف حقوق فناوری‌های نوین موجود به کارآمدی حقوق فناوری‌های نوین برای پاسخ‌گویی به مسائل پیش‌رو منجر نمی‌شود. چنان‌که رویکرد توصیه‌گرایانه صرف و بریده از پیشینه حقوقی حقوق فناوری‌های نوین نیز به نتیجه مطلوب منجر نمی‌شود. این آسیب‌ها فقط با دادوستدی از توصیف و توصیه در این ساحت برطرف می‌شود. برون‌داد این فهم شناخت ظرفیت‌های موجود و رویاپردازی برای آینده است. فهم و ارزیابی وضعیت موجود در کنار توجه تام و تمام به رویکرد کارکردگرایانه در فلسفه‌های پیراعلمی در کنار ضرورت بهره‌بری از تراش موجود برای رسیدن به وضعیت دانشی مطلوب از جمله بایسته‌های بحث و بررسی در زمینه فلسفه حقوق فناوری‌های نوین است. این رویکرد پژوهشی زمینه‌ساز مناسبی برای شکل‌گیری هندسه حقوق فناوری‌های نوین و سیاست‌گذاری در ساحت بررسی‌های حقوقی مرتبط با فناوری است. شناخت وضع موجود و چشم‌انداز تحقق منطقی حقوق فناوری‌های نوین مطلوب از جمله کارکردهای این رویه است.

در این میان، با بهره‌وری از تعبیر دیوید ای. ریدی<sup>۳</sup> در کتاب فلسفه حقوق، که مفهوم واژگان فلسفه حقوق تحلیلی<sup>۴</sup> و فلسفه حقوق هنجاری<sup>۵</sup> را به‌کار می‌برد (ای. ریدی، ۱۳۹۲، ۱۶-۱۷)، مفهوم واژگان فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری قابل فهم است. فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی ماهیتی تبیینی و توصیفی دارد؛ چنان‌که فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری رسالتی توصیه‌گرایانه داشته و دارد.

#### ۵. جغرافیای مسائل و ساختار فلسفه حقوق فناوری‌های نوین

مطالعات پیراعلمی کل‌گرایانه تعقلی یا به تعبیر بهتر فلسفه‌ورزی‌های پیرامونی با بررسی یک علم یا پدیده و با فراهم‌آوری شرایطی برای شناخت بهتر آن دانش یا پدیده با نگاهی کارکردگرایانه دغدغه تکامل و ارتقای دانش بررسی‌شده را دارند. با عزمیت از این دغدغه، فلسفه‌های پیراعلمی نه‌فقط توصیف‌گرانه<sup>۱</sup> هستند، بلکه توصیه‌گرانه<sup>۲</sup> به انجام می‌رسند؛ توضیح آن‌که رسالت اصلی فلسفه‌های پیراعلمی یا به بیانی فلسفه‌های پیرامونی، مطالعه علم یا همان هست‌های علم است، اما پرداختن به بایسته‌های علم و دانش مضاف‌البه نیز ضروری است؛ چراکه به‌نوعی تأمین‌کننده هدف

1. Descriptive
2. Prescriptive
3. David A.Reidy
4. Analytic Jurisprudence
5. Normative Jurisprudence
6. Descriptive
7. Prescriptive



نهایی شکل‌گیری فلسفه‌های پیرامونی است. با این توضیح بایسته است به هر دو ساحت توصیف و توصیه توجه شود. براین اساس فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی با رویکرد توصیفی عهده‌دار تبیین هست‌های حقوق فناوری‌های نوین است و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری با رویکرد توصیفی به بایسته‌ها این حقوق می‌پردازد. در همین راستا، ساختار فلسفه حقوق فناوری‌های نوین در دو ساحت هست‌ها و بایسته‌ها فهم می‌شود. مرحله تبیین «هست‌ها» رسالت توصیفی دارد. چنان‌که بحث از «بایسته‌ها» ماهیتی توصیه‌گرانه دارد. همین پرداختن به هست‌ها و بایدهای حقوق فناوری‌های نوین نیز عامل همسویی گزاره‌های مطالعات فلسفه حقوق فناوری‌های نوین است. توضیح آن‌که در باب عامل وحدت و همسویی گزاره‌ها و مسائل علم اندیشه‌ها و انگاره‌های مختلف و متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند که عامل همسویی و اتحاد گزاره‌های علوم موضوعات آن‌هاست. در مقابل این انگاره، برخی معتقدند که عامل وحدت و همسویی مسائل یک علم محصولات آن علم است. چنانچه برخی نیز حیثیات را مطرح کرده‌اند. (حائری اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۱). اما به نظر می‌رسد که مسائل هر علم عبارت است از قضایای مشتت و پراکنده‌ای که غرض تدوینی در علم، آن‌ها را در کنار هم جمع می‌کند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ص ۸). این بحث و پرداخت به آن از این حیث اهمیت دارد که تبیین آنچه محور اتحاد و همگرایی مسائل یک دانش است، جایگاه مهمی در شکل‌گیری سنجه‌های مؤید هویت علم و دانش دارد. با این توضیح و با تأکید بر انگاره غرض از تدوین به منزله عامل وحدت مسائل یک دانش، پرداختن به هست‌ها و بایدهای حقوق فناوری‌های نوین، عامل همسویی گزاره‌های مطالعات فلسفه حقوق فناوری‌های نوین است.

## ۱-۵. هست‌های حقوق فناوری‌های نوین

### ۱) تبیین گستره مفهومی و جغرافیای ماهوی حقوق فناوری

در ذیل این محور به بحث از چپستی حقوق فناوری‌های نوین و گستره مباحث آن پرداخته می‌شود. منظور از جغرافیای ماهوی حدود و ثغور مفهوم واژه حقوق فناوری‌های نوین است. برخی از عناوین و خرده موضوعاتی که در ذیل این محور شایان بررسی است به این قرار است: درآمدی بر حقوق فناوری‌های نوین، تعریف و تبیین حقوق فناوری‌های نوین، ماهیت معرفتی حقوق فناوری‌های نوین، موضوع حقوق فناوری‌های نوین، اشخاص حقوق فناوری‌های نوین، جایگاه حقوق فناوری‌های نوین در نظام کلان حقوق و حقوق پژوهی، تقدم و تأخر فلسفه حقوق فناوری‌های نوین نسبت به حقوق فناوری‌های نوین، توصیف گستره مباحث حقوق فناوری‌های نوین، تبیین قلمرو حقوق فناوری‌های نوین و ساختار و هندسه حقوق فناوری‌های نوین.

### ۲) تبیین گستره مفهومی و جغرافیای ماهوی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین

در ذیل این محور، به بحث از چپستی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و گستره مباحث آن پرداخته می‌شود. برخی از عنوان‌ها و خرده موضوعاتی که در ذیل این محور قابل بررسی است بدین قرار است: درآمدی بر فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، تعریف و تبیین فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، ماهیت معرفتی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، جایگاه فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، موضوع فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، درآمدی بر مفهوم معرفت درجه دوم با تأکید بر فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، جایگاه فلسفه حقوق فناوری‌های نوین در نظام‌واره فلسفه‌های پیرا علمی، توصیف گستره مباحث فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، تبیین قلمرو فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، ساختار و هندسه فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و مسأله توصیف یا توصیه و نسبت فلسفه حقوق فناوری‌های نوین با فلسفه حقوق و گزاره‌های حقوقی.

### ۳) ضرورت پردازش، اهداف و برون‌داد فلسفه حقوق فناوری‌های نوین

در ذیل این محور، به بحث از چرایی مطالعه و بررسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین پرداخته می‌شود. چنان‌که بحث از اهداف و برون‌داد فلسفه حقوق فناوری‌های نوین در پی تبیین دستاوردهای بحث و بررسی از فلسفه حقوق فناوری‌های نوین است. برخی از عناوین و خرده موضوعاتی که در ذیل این محور درخور بررسی است به این قرار است: تبیین ضرورت پرداختن به فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، دفع شبهات عدم کاربردی

بودن مباحث فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، اهداف و غایات فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و نقش آن در شکلگیری حقوق فناوری‌های نوین روزآمد.

#### ۴) تاریخ تحول اندیشه‌های حقوقی مرتبط با حقوق فناوری‌های نوین

در ذیل این محور، به تاریخ تحول اندیشه‌های حقوقی مرتبط با حقوق فناوری‌های نوین پرداخته می‌شود. گفتنی است که مباحث این محور به هیچ وجه نباید به سمت پرداختن به تاریخ حقوق و دانشیان حقوق سوق پیدا کند، بلکه تاریخ تحول اندیشه‌های حقوقی و حقوق پژوهی‌های مرتبط با حقوق فناوری‌های نوین مدنظر است. البته هرچند پژوهش‌های ذیل این محور در مقام گردآوری تاریخی - توصیفی است، اما در مقام پردازش عقلی و کل‌نگرانه است. برخی از عناوین و خرده‌موضوعاتی که در ذیل این محور قابل بررسی است به قرار ذیل است: بازخوانی تاریخ تحول اندیشه‌های حقوقی مرتبط با حقوق فناوری‌های نوین، روش بحث از تاریخ حقوق فناوری‌های نوین، پیش‌فرض‌های تاریخی حقوق فناوری‌های نوین، ادوار حقوق فناوری‌های نوین و مبانی تحول در گزاره‌های حقوق فناوری‌های نوین، بایسته‌های تاریخ پژوهی در حقوق فناوری‌های نوین و بازخوانی جایگاه تاریخ تحول حقوق فناوری‌های نوین در ساختار فلسفه حقوق فناوری‌های نوین.

#### ۵) روش‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و حقوق فناوری‌های نوین

مباحث روشی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و حقوق فناوری‌های نوین ذیل این موضوع‌ها بررسی می‌شوند؛ از جمله روش‌های موضوع‌شناسی در حقوق فناوری‌های نوین، روش پردازش و دآوری فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، روش گردآوری داده‌ها در فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، روش بحث در معرفت‌های درجه دوم با توجه به هندسه فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، پارادایم‌های روشی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، روش تکوین معرفت فقهی در حقوق فناوری‌های نوین، روش‌های موضوع‌شناسی در حقوق فناوری‌های نوین، پیش‌فرض‌های روش‌شناسانه فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، امکان‌سنجی بهره‌وری از روش‌های نوین در حقوق پژوهی‌های مرتبط با موضوعات فناوری، عقلانیت اسلامی و مسئله روش با تأکید بر مباحث فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، فلسفه حقوق فناوری‌های نوین: از توصیف تا توصیه، روش حقوق پژوهی و حقوق‌ورزی کارا در زمینه موضوعات فناوری نوین، بنیان‌های معرفت‌شناسانه روش پژوهش در حقوق فناوری‌های نوین، حقوق فناوری‌های نوین: روش یا روش‌ها، بازخوانی مبانی روشی حقوق فناوری‌های نوین، و روش حقوق فناوری‌های نوین: اتمیک یا هرمنوتیکی.

#### ۶) پارادایم‌های حقوق فناوری‌های نوین

هر رشته علمی در بستر یک «پارادایم»<sup>۱</sup> شکل می‌گیرد. پارادایم واژه‌ای با ریشه یونانی به معنای الگوست که در معنای جهان‌بینی کلی و نظریه کلی است (زرشناس، ۱۳۸۳، ص ۷۷) این چارچوب نشان‌دهنده رویکرد دانشیان به هستی و مشخص‌کننده قواعد بازی در مکانیزم تولید و شکل‌گیری علم و فناوری است. پارادایم مجموعه‌ای از اصول و بنیان‌ها یا به تعبیری کلان‌ترین چارچوب‌های یک علم است که مشتمل بر دستگاه‌های معرفت‌شناسانه، انسان‌شناسانه و روش‌شناسانه است (کوهن، ۱۳۹۶). برخی از عناوین و خرده‌موضوعاتی که در ذیل این محور قابل بررسی است به این قرار است: فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و مسئله پارادایم، پیش‌فرض‌های پارادایمیک فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، پیش‌فرض‌های پارادایمیک حقوق فناوری‌های نوین، پارادایم‌های هستی‌شناسانه حقوق فناوری‌های نوین، پارادایم‌های معرفت‌شناسانه حقوق فناوری‌های نوین، پارادایم‌های انسان‌شناسانه حقوق فناوری‌های نوین، پارادایم‌های روش‌شناسانه حقوق فناوری‌های نوین، و پارادایم‌های موضوع‌شناسانه حقوق فناوری‌های نوین.

### ۵-۲. بایسته‌ها حقوق فناوری‌های نوین

در این بخش، توصیه‌هایی در زمینه تولید و تکمیل گزاره‌های حقوق فناوری‌های نوین صورت می‌گیرد. در این بخش، مفهوم واژه حقوق فناوری‌های نوین به حقوق فناوری‌های نوین مطلوب، کارا و کارآمد اشاره دارد. اهمیت بحث از بایسته‌های حقوق فناوری‌های نوین، با توجه به

1. paradigm

نویابودن این دانش زمینه‌ساز شکل‌گیری و انسجام دانش نوپایی است که همسو با نیازها و برپایه بایسته‌های روشی و معرفتی نظام حقوقی کلان است. به بیانی دیگر، این بخش در پی زمینه‌سازی برای شکل‌گیری حقوق فناوری‌های نوین کارا و کارآمد است. برخی از موضوعات مرتبط با بایسته‌های حقوق فناوری‌های نوین به قرار ذیل است: حقوق فناوری‌های نوین کارآمد و بایسته‌های آن، گستره موضوعی و ماهوی حقوق فناوری‌های نوین، بایسته‌های مبنایی حاکم بر حقوق فناوری‌های نوین، بایسته‌های روشی حاکم بر حقوق فناوری‌های نوین، بایسته‌های روش راستی‌آزمایی و توجیه در گزاره‌های حقوق فناوری‌های نوین، بایسته‌های حاکم بر موضوع‌شناسی در حقوق فناوری‌های نوین، حقوق فناوری‌های نوین و گفتمان‌های حقوقی هژمون در نظام حقوقی ایران، حقوق فناوری‌های نوین و مسئله حق بر عدم رصد، حقوق فناوری‌های نوین و مسئله اخلاق و ارزش، اخلاق فناوری و حقوق فناوری‌های نوین، حقوق فناوری‌های نوین و سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی، و بایسته‌های حاکم بر نظام موضوعات و کلیدواژگان حقوق فناوری‌های نوین.

### نتیجه‌گیری

۱. امروزه اهمیت مطالعات پیرادانشی بر کسی پوشیده نیست و چه‌بسا که اولویت آن بسان بررسی‌های جزئی‌نگرانه و بلکه بالاتر از آن است. این رویکرد مطالعاتی درباره یک دانش، زمینه‌ساز شناخت وضعیت موجود این دانش، آسیب‌شناسی، توسعه و تکمیل دانش مورد بحث است.
۲. این پژوهش در تکاپوی تحدید حدود و تبیین جغرافیای معرفتی دانشی با عنوان فلسفه حقوق فناوری‌های نوین است. در این راستا، با بهره‌وری از سنج‌ها و ادبیات فلسفه روش به مطالعه مفهوم‌شناسانه پدیدارهای برساخته فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی و فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری پرداخته است. چنان‌که در تکمیل سیر پژوهش روش‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و جغرافیای مسائل و ساختار حقوق فناوری‌های نوین بررسی شده است.
۳. حقوق فناوری‌های نوین ساحتی از حقوق است که بنا به اقتضای موضوع خود، در راستای تبیین هنجارهای حقوقی مرتبط با فناوری‌های نوین شکل می‌گیرد. فرایند به‌انجام رسیدن «فناوری‌های نوین» و بهره‌وری از آن در قالب ابزار و محصولات، مسائلی را ایجاد می‌کنند که حقوق فناوری‌های نوین، متصدی تنظیمگری در زمینه آن مسائل است.
۴. به نظر می‌رسد که در ترکیب واژه فلسفه حقوق، منظور از فلسفه همان فلسفه‌اندیشی و تأملات عقلی و انتقادی در زمینه حقوق است. به بیانی دیگر، فلسفه به‌مثابه روش تحلیلی و انتقادی یا فلسفی‌اندیشی و فلسفه‌ورزی در باب «حقوق به ما هو حقوق» است؛ توضیح آن‌که در سیر پژوهش تبیین و تحلیل «به‌مثابه روش بودن مفهوم واژه فلسفه» در عنوان فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و بهره‌گیری از ادبیات فلاسفه مسلمان از جمله کندی، نکته‌ای نو است. ادعا این است که ما با دو سیستم و دانش با عنوان فلسفه یا دو ماهیت مواجه نیستیم که یکی مطلق و دیگری مضاف باشد. در این میان، فلسفه به‌مثابه روش در مطالعه است؛ یعنی روشی تعقلی و کل‌گرایانه. فلسفه هستی یا هستی‌شناسی فلسفی همان مطالعات کل‌گرایانه تعقلی در باب هستی است. چنان‌که فلسفه حقوق فناوری‌های نوین، مطالعات کل‌گرایانه و تعقلی در باب حقوق فناوری‌های نوین است. ارائه فهمی متفاوت از مفهوم واژه فلسفه در فلسفه‌های پیرادانشی و صورت‌بندی این دانش‌ها با گفتمان اولیه فیلسوفان مسلمان، از جمله برون‌دادهای این پژوهش است.
۵. پرداختن به پژوهشی با عنوان «فلسفه حقوق فناوری‌های نوین» زمینه‌ساز مناسبی برای شکل‌گیری هندسه حقوق فناوری‌های نوین و سیاست‌گذاری پژوهشی در ساحت بررسی‌های حقوقی مرتبط با فناوری و حقوق است. چنان‌که در سایه همین رصد کل‌گرایانه دستیابی به نظام موضوعات حقوق فناوری‌های نوین و حتی کلیدواژگان بایسته حقوق پژوهی مسائل فناوری تسهیل شود.
۶. در فلسفه‌های پیراعلمی روش پژوهش در دو ساحت جمع‌آوری و پردازش متفاوت است. به این مهم تمایز مقام گردآوری و مقام داوری گویند. روش پژوهش در فلسفه حقوق فناوری‌های نوین در مقام پردازش تعقلی - انتقادی است؛ چنان‌که در مقام گردآوری ترکیبی است.

۷. فلسفه‌های پیرا علمی نه فقط توصیف‌گرانه‌اند، بلکه توصیه‌گرایانه انجام می‌شوند. بایسته است در پژوهش فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هر دو ساحت توصیف و توصیه مورد توجه قرار گیرد و هم از «هست‌ها» صحبت شود و هم به «بایسته‌ها» پرداخته شود. مرحله تبیین «هست‌ها» رسالت توصیفی دارد؛ چنان‌که بحث از «بایسته‌ها» ماهیتی توصیه‌گرانه دارد.
۸. فلسفه حقوق فناوری‌های نوین تحلیلی با رویکردی توصیفی به تبیین هست‌های حقوق فناوری‌های نوین می‌پردازد. چنان‌که فلسفه حقوق فناوری‌های نوین هنجاری با رویکردی توصیه‌ای به تبیین بایسته‌های حقوق فناوری‌های نوین می‌پردازد. این دو ترکیب واژه‌ای است که برای اولین بار در این مقاله مطرح شده است.
۹. بحث از جغرافیای مسائل فلسفه حقوق فناوری‌های نوین و روش‌شناسی فلسفه حقوق فناوری‌های نوین در این پژوهش به‌منظور نشان‌دادن دورنمای این دانش بدیع و نو است.

## منابع

- ابن سینا، أبو علی حسین بن عبدالله (۱۴۰۴). الشفاء (المنطق). قم: مکتبه آیت الله مرعشی.
- ای. ریدی، دیوید (۱۳۹۲). فلسفه حقوق. ترجمه حسن خسروی. تهران: مجلد.
- آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین (۱۴۰۹ق). کفایة الأصول (طبع آل البيت). قم: آل البيت.
- پاپکین، ریچارد اچ و استرول، آروم (۱۳۷۵). متافیزیک و فلسفه معاصر. ترجمه سیدجلال‌الدین مینوی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پترسن، دنیس (۱۳۹۵). مکاتب معاصر فلسفه حقوق. ترجمه محمد مهدی ذوالقدری. تهران: ترجمان علوم انسانی.
- تیب، مارک (۱۳۸۴). فلسفه حقوق. ترجمه حسین رضایی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- چینهنگو، آستین (۱۳۹۴). مبانی فلسفه حقوق. ترجمه هیبت الله نژندی منش. تهران: خرسندی.
- حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم (۱۴۰۴ق). الفصول الغروية فی الأصول الفقهية. قم: دار احیاء العلوم الاسلامیه.
- دانش پژوه، مصطفی و خسروشاهی، قدرت‌اله (۱۳۹۰). فلسفه حقوق. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- دل وکیو، جورج (۱۳۸۰). فلسفه حقوق. ترجمه جواد واحدی، تهران: میزان.
- دیل، هالینگ (۱۳۶۴). مبانی و تاریخ فلسفه غرب. ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۰). فلسفه‌های مضاف. به کوشش عبدالحسین خسروپناه. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۳). واژه‌نامه فرهنگی، سیاسی. تهران: کتاب صبح.
- ساکت، محمدحسین (۱۳۷۰). نگرشی تاریخی بر فلسفه حقوق. تهران: شرکت انتشارات جهان معاصر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۴ق). إرشاد العقول الی مباحث الأصول. قم: مؤسسه امام صادق.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰). تفرج صنع. تهران: صراط.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۲). قبض و بسط تنوریک شریعت (نظریه تکامل معرفت دینی). تهران: صراط.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۸۲). علم چیست، فلسفه چیست؟. تهران: صراط.
- شهابی، مهدی (۱۴۰۱). فلسفه حقوق (مبانی نظری تحول نظام حقوقی از حقوق سنتی تا حقوق مدرن). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صدر، صدرالدین محمد شیرازی (۱۹۸۱). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة. بیروت: دار احیاء التراث.
- صلیبا، جمیل (۱۳۹۳). فرهنگ فلسفی. ترجمه: منوچهر صانعی دژه بیدی، تهران: حکمت.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۹۲). نشست وضعیت کنونی فلسفه در ایران. مؤسسه پرسش، هفتم آذر ماه سال ۱۳۹۲.
- عراقی نجفی، عبد النبی (بی تا). التقریرات المسمی بالمحاكمات بین الأعلام. قم: چاپخانه قم.
- کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). فلسفه حقوق. تهران: گنج دانش.
- کندی، یعقوب بن اسحاق (۱۹۵۰). رسائل الکندی الفلسفیة، رسالة الکندی فی حدود الأشياء و رسومها. القاهرة: دار الفكر العربی.
- کوهن، تامس (۱۳۹۶). ساختار انقلاب‌های علمی. ترجمه سعید زیبا کلام. تهران: سمت.
- کجوری شیرازی، محمد مهدی (۱۳۸۰). الاجتهاد و التقليد. قم: نهاوندی.
- مصلح، علی اصغر (۱۳۸۶). مفهوم و اهمیت فلسفه فرهنگ. مجله فلسفه، ۵(۲)، ۱۶-۵.
- موراوتز، توماس (۱۳۸۷). فلسفه حقوق؛ مبانی و کارکردها. ترجمه بهروز جندقی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۷۹). *مثنوی معنوی*. تهران: طلوع.

واربرتون، نیگل (۱۳۸۳). *مقدمات فلسفه*. ترجمه بهجت عباسی. تهران: جوانه رشد.

هاشمی، سید محمدعلی (۱۳۹۷). *فقه زندگی در کشورهای غیراسلامی*. قم: المصطفی.

هایدگر، مارتین (۱۳۷۳). *پرسش از تکنولوژی*. ترجمه شاپور اعتماد. ارغنون، ۱(۴)، ۱-۳۰.

Bunge, M. (2003). Philosophical inputs and outputs of technology. In R. Scharff & V. Dusek (Eds.), *Philosophy of technology: the technological condition, an anthropology* (p. 172-181).

Jonas, H. (2003). 'Toward a Philosophy of Technology', In *philosophy of technology: the technological condition: an anthology*, Robert C. Scharff and Val Dusek (eds.), Oxford, UK: Blackwell.

Skolimowski, H. (1966). The structure of thinking in technology. In *Contributions to a Philosophy of Technology: Studies in the Structure of Thinking in the Technological Sciences* (pp. 72-85). Dordrecht: Springer Netherlands.